سرنوشت احادیث تا خلافت عمر بن عبدالعزیز/

**گردآوری:**

**ابوعمر انصاری**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | سرنوشت احادیث تا خلافت عمر بن عبدالعزیز/ |
| **گرد آوری:** | ابو عمر انصاری |
| **موضوع:** | حدیث و سنت - تاریخ و اصول علم حدیث و رجال |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | اسفند (حوت) 1394 شمسی جمادی الاول 1437 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc442564494)

[سرنوشت احادیث از حیات پیامبرج تا خلافت عمربن عبدالعزیز/ 1](#_Toc442564495)

[احادیثی که در آن‌ها اذن به نوشتن کاملا مشهود است: 4](#_Toc442564496)

[از جمله‌ی این احادیث صحیح: 4](#_Toc442564497)

[نمونه‌هایی از نوشتن سنت توسط صحابه 6](#_Toc442564498)

[تشویق شاگردان به نوشتن احادیث 7](#_Toc442564499)

[تدوین احادیث در صحیفه‌ها 7](#_Toc442564500)

[نمونه‌هایی از صحیفه‌های نوشته شده در زمان صحابه: 8](#_Toc442564501)

[تلاش تابعین در جمع آوری سنت نورانی: 8](#_Toc442564502)

[نمونه‌هایی از تشویق تابعین به نوشتن احادیث: 9](#_Toc442564503)

[مثال‌هایی از این صحیفه‌ها: 10](#_Toc442564504)

[‏ برگرفته از: 11](#_Toc442564505)

سرنوشت احادیث از حیات پیامبر ج تا خلافت عمربن عبدالعزیز/

در بین برخی چنین شایع است که احادیث رسول الله ج بیش از صد سال بدون اینکه نوشته شود، سینه به سینه در میان مسلمانان نقل شده، تا اینکه زمان عمربن عبدالعزیز/ این احادیث به دستور وی بر روی کاغذ مکتوب شده است.

لذا افرادی که منتظر بهانه برای وارد کردن طعن به دومین منبع اصیل اسلام یعنی سنت هستند فرصت را غنیمت شمرده، از این اشتباه غیر علمی سود برده و برای خود داستان‌ها ساخته تا شاید به گمان باطل دل‌هایی را به بیراهه کشانده و بگویند از کجا معلوم احادیثی که پس از یک قرن بدون نوشتن رها شده ساخته‌ی فکر جاعلان و دروغگویان نباشد.

زیرا علمای اسلام خود بر این نظر اتفاق دارند که اولین کسی که سنت را تدوین و تصنیف نمود ابن شهاب الزهری است که در سال 124 یا 125 هجری وفات نموده است.

و با این سخن این گمان را به وجود می‌آورند که اولین کسی که احادیث را نوشته ابن شهاب زهری است.

و در تقویت ادعاهای خود احادیثی را مبنی بر نهی رسول الله ج از نوشتن حدیث و امتناع اصحاب خصوصا شیخین (ابوبکر و عمرب) از جمع‌آوری و نوشتن سنت، ذکر می‌کنند.

در این میان از جمله علمای حدیث که به رد این شبهات واهی پرداخته و اثبات نموده که احادیث رسول الله ج بدون انقطاع و با امانت داری کامل به ما رسیده، خطیب بغدادی/ می‌باشد که در کتاب ارزشمندش «تقیید العلم» به این مسئله می‌پردازد.

خطیب در این کتاب ابتدا به بررسی احادیثی می‌پردازد که در آن‌ها از نوشتن حدیث نهی شده و این احادیث را با هم چه صحیح و چه ضعیف ارائه می‌کند.

ولی این احادیث به جز یک حدیث یعنی حدیث ابی سعید خدریس «لاَ تَكْتُبُوا عَنِّي وَمَنْ كَتَبَ عَنِّي غَيْرَ الْقُرْآنِ فَلْيَمْحُهُ». [أخرجه مسلم مرفوعًا].

ترجمه: «از( سخنان ) من چیزی را ننویسید و هرکس غیر از قرآن چیزی از (سخنان) من را نوشته آن‌ها را پاک کند».

ما بقی چنانچه دکتر محمد مصطفی الأعظمی در کتاب «دراسات في الحدیث النبوي» به آن می‌پردازد، دارای ضعف می‌باشند.

و حدیث ابی سعید خدریس چنانچه امام بخاری بیان می‌کند موقوف است یعنی سخن خود ابی سعید است نه قول رسول الله ج.

با این وجود اگر ما این احادیث را صحیح بدانیم، از یک طرف بنا به قول ابن قتیبه، رامهرمزی، خطابی و گروهی دیگر از علمای حدیث، احادیث امر به نوشتن که صحیح و صریح می‌باشند، ناسخ احادیث نهی می‌باشند.

و از طرفی دیگر بنا به قول خطیب بغدادی و خطابی و دیگر علما این نهی، مربوط به عدم نوشتن احادیث در مصحف‌هایی است که قرآن در آن نوشته می‌شده تا ناخواسته اختلاطی بین آیات قرآن و احادیث بوجود نیاید.

همچنین گفته شده که نهی برای کسانی بوده که بیم می‌رفته بر نوشتن تکیه کرده و حفظ را فراموش کنند و رخصت برای کسانی است که از این موضوع در امان باشند.

خطیب بغدادی/ در ادامه‌ی کتابش در فصل دوم و سوم روایات و اخباری را از صحابه و تابعین که دال بر کراهت نوشتن است می‌آورد، که این روایات در واقع حاکی از علت‌هایی است که سبب می‌شد اصحاب یا تابعین به خاطر آن نوشته‌هایشان را از بین برده یا بسوزانند.

و در هیچکدام از این‌ها نصی بر نهی رسول الله ج از نوشتن احادیث به چشم نمی‌خورد.

خطیب بغدادی/ فصل سوم از قسمت دوم کتابش را با این جمله آغاز می‌کند: «ترس از افتادن علم به دست نا اهلان و کسانی که به این خاطر کتابهای خود را قبل از مرگ از بین می‌بردند».

و اگر بیندیشیم، می‌بینیم که حقیقت نیز همین است زیرا اگر نهی صریحی از رسول الله ج در این باره وجود داشت، ابوبکر صدیقس احادیث را جمع آوری نمی‌کرد یا عمر بن خطابس نیت به جمع آوری سنت نمی‌نمود.

همچنین خطیب در فصل دوم از همین قسمت، از کسانی نام می‌برد که در آخر عمر خود از عمل محو احادیث پشیمان می‌شدند. از جمله‌ی آن‌ها «عروه بن زبیر» می‌باشد که این گونه می‌گوید: «در ابتدا احادیث را می‌نوشتم، سپس آن‌ها را پاک کردم و الان حاضرم مال و فرزندانم را برای بدست آوردنشان فدا کنم».

در این میان سفیان ثوری/ که از مخالفین اتکای بر کتابت بود، خود احتیاطا احادیث را می‌نوشت.

پس با تمام این گفته‌ها واضح و آشکار است کسانی که از نوشتن احادیث خود داری می‌کرده یا اینکه بعد مصاحف خود را از بین می‌بردند بر اساس اجتهاد شخصی بوده و یک مسئله‌ی عمومی نبوده است.

و تعداد دیگری از صحابه و تابعین همواره وجود داشته‌اند که احادیث را از طریق نوشتن محافظت می‌نمودند.

خطیب بغدادی/ در قسمت سوم کتاب خود احادیثی را از رسول الله ج ذکر می‌کند که در آن‌ها اذن به نوشتن کاملا مشهود است.

احادیثی که در آن‌ها اذن به نوشتن کاملا مشهود است:

از جمله‌ی این احادیث صحیح:

1. حدیث أبی‌هریره: «ما من أصحاب النبي ج أحد أكثر حديثًا عنه مني، إلا ما كان من عبدالله بن عمرو، فإنه كان يكتب ولا أكتب»[[1]](#footnote-1).

«هیچ کدام از اصحاب پیامبر ج بیشتر از من حدیث روایت نکرده به جز عبدالله بن عمرو که او می‌نوشت ولی من نمی‌نوشتم».

1. از ابوهریره بازهم روایت است که: «خطب رسول الله ج في فتح مکة... إلی أن قال: " اکتبوا لأبي شاة»[[2]](#footnote-2).

«از ابوهریره روایت است که رسول الله ج در فتح مکه خطبه خواند... تا جایی که فرمود: برای أبی‌شاة ( سخنان من را) بنویسید».

1. حدیث عبدالله بن عمرو بن العاص: «كُنْتُ أَكْتُبُ كُلَّ شَىْءٍ أَسْمَعُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ج إلى أن قال: فقال رسول الله ج: اكْتُبْ فَوَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ مَا خَرَجَ مِنِّى إِلاَّ حَقٌّ»[[3]](#footnote-3).

حدیث عبدالله بن عمرو بن العاصب: «من هر چیزی را که از رسول الله ج می‌شنیدم می‌نوشتم ... تا جایی که گفت: رسول الله ج فرمود: بنویس، قسم به ذاتی که جانم در دست اوست هر چه از دهان من خارج می‌شود حق است».

سپس خطیب در فصل دوم کتاب خود که آن را باب «اصحابی که از آن‌ها روایت شده علم را می‌نوشتند یا به نوشتن آن امر می‌کردند»، نام گذاری کرده، روایات زیادی را در این باره ذکر می‌کند که اکثر آن‌ها صحیح هستند.

از جمله‌ی آن‌ها روایت ابو سعید خدریس است که فرمود: «ما کنا نکتب شیئا غیر القرآن والتشهد». «ما غیر از قرآن و تشهد چیز دیگری را نمی‌نوشتیم».

و ابوسعید کسی است که حدیث: «لا تَكْتُبُوا عَنِّى سِوَى الْقُرْآنَ مَنْ كَتَبَ عَنِّى سِوَى الْقُرْآنِ فَلْيَمْحُهُ ». را روایت می‌کند.

خطیب می‌گوید: او همان کسی است که خبر از نوشتن قرآن و تشهد می‌دهد و این خود دلیلی است بر اینکه نهی از نوشتن قرآن همانطور که گفته شد به خاطر پرهیز از اختلاط چیزی با کلام الله جل جلاله و عدم مشغولیت به غیر از قرآن بوده است. و زمانی که این خطر برطرف شده و نیاز به نوشتن به وجود آمده، دیگر نوشتن حدیث مکروه نیست، چنانچه صحابه نوشتن تشهد را مکروه نمی‌دانستند.

و هیچ فرقی بین تشهد و دیگر علوم نیست، زیرا هیچکدام قرآن نمی‌باشند.

و کتابت حدیث توسط صحابه به خاطر احتیاط بوده چنانچه کراهت کتابت نیز به همین دلیل بوده است.

خطیب فصل سوم کتابش را به ذکر روایات از تابعین و اجازه و تشویق شاگردانشان نسبت به نوشتن حدیث اختصاص داده‌است.

اما سبب گسترش کتابت سنت در عصر تابعین و بعد از آن و تکیه کردن بر کتابت را، خطیب/ اینگونه توضیح می‌دهد:

 مردم نوشتن علم را گسترش دادند و پس از اعتقاد به کراهیت به آن روی آورند، زیرا روایات منتشر و سندهای حدیث طولانی و اسامی رجال و کنیه و نسب‌هایشان زیاد شد و الفاظ عبارتها، متفاوت گشت در نتیجه سینه‌ها از حفظ عاجز ماندند و حدیث مکتوب در این زمان قابل اعتماد‌تر از علم حافظ شد و رسول الله ج به کسی که حافظه‌اش ضعیف بود اجازه‌ی نوشتن را داده بود و عمل صحابه و تابعین و پیروان آن‌ها نیز بیانگر همین مطلب بود.

نمونه‌هایی از نوشتن سنت توسط صحابه

1. جابر بن سمرهس بعضی از احادیث رسول الله ج را نوشت و آن‌ها را بنا به طلب عامر بن سعد بن أبی وقاص برایش فرستاد[[4]](#footnote-4).
2. زید بن أرقمس بعضی از احادیث نبوی را نوشته و برای انس بن مالکس ارسال کرد[[5]](#footnote-5).
3. نوشته‌ی زید بن ثابتس بنابر درخواست عمربن خطابس در موضوع جد[[6]](#footnote-6).
4. سمرة بن جندب احادیثی از رسول الله ج را که نزد خود داشت برای پسرش سلیمان نوشت و فرستاد و امام محمد بن سیرین/ این نامه را تحسین کرده و می‌گوید: در نامه سمره به پسرش علم فراوانی نهفته است[[7]](#footnote-7).
5. عبدالله بن أبی أوفی احادیث رسول الله ج را برای عمر بن عبیدالله فرستاد[[8]](#footnote-8).

تشویق شاگردان به نوشتن احادیث

1. انس بن مالکس فرزندانش را به نوشتن علم تشویق می‌کرد و می‌گفت: «فرزندانم علم را بوسیله نوشتن نگهداری کنید. و می‌گفت: ما علم کسی را که ننوشته بود علم به حساب نمی‌آوردیم».
2. خطیب بغدادی از تعدادی از شاگردان عبدالله بن عباسب روایت می‌کند که ابن عباس گفته: «علم را با نوشتن محافظت کنید زیرا بهترین محافظ برای علم کتاب است».
3. همچنین از عمر بن خطابس روایت میکند که گفت: «علم را با نوشتن محافظت کنید».
4. و از علی بن أبی طالبس روایت شده که گفت: «چه کسی با پول علم را از من می‌خرد؟ أبوخیثمه می‌گوید: (منظورش این بود که) دفتری را بخرد که علم را در آن بنویسد».

تدوین احادیث در صحیفه‌ها

در حقیقت صحیفه‌ها منشأ اصلی تصنیفات جوامع، مسانید و سنن در قرن دوم و سوم هجری می‌باشند.

حافظ ابن رجب می‌گوید: «آنچه در زمان صحابه ش نوشته می‌شد، مرتب و موضوع بندی شده نبود و فقط برای حفظ و مراجعه نوشته می‌شد. سپس در عصر تابع تابعین این احادیث گردآوری شد . بعضی از اهل علم سخنان رسول الله ج را گردآوری کرده و گروهی دیگر سخنان صحابه را».

عبدالرزاق می‌گوید: اولین کسی که نوشته‌ها را گردآوری کرد ابن جریج بود و اوزاعی زمانی که به نزد یحیی ابن کثیر رفت کتاب‌هایش را تصنیف نمود.

نمونه‌هایی از صحیفه‌های نوشته شده در زمان صحابه:

1. صحیفه ابوبکر صدیقس که در آن صدقات واجب نوشته شده بود.
2. صحیفه‌ی علی بن أبی طالب.
3. صحیفه‌ی عبدالله بن عمرو بن العاص معروف به صحیفه صادقه.
4. صحیفه عبدالله بن أبی أوفی.
5. صحیفه ابوموسی الأشعری.
6. صحیفه جابر بن عبدالله.

همه‌ی این صحیفه‌ها در حیات رسول الله ج نوشته شدند.

همچنین می‌توان از صحیفه‌ی همام معروف به صحیفه‌ی صحیحۀ نام برد که احادیثش از ابوهریرهس روایت شده است.

تلاش تابعین در جمع آوری سنت نورانی:

تابعین رحمهم الله سنت رسول الله و بلکه کل دین را از صحابه دریافت نمودند و ابلاغ این رسالت عظیم را عهده دار شدند.

بهترین نسل بعد از صحابه آن‌ها بودند که زحمات زیادی در خدمت به سنت رسول‌الله ج کشیدند.

نمونه‌هایی از تشویق تابعین به نوشتن احادیث:

خطیب بغدادی/ از حسن بصری روایت می‌کند که او گفت: «هیچ چیز همانند کتاب، علم را محافظت نمی‌کند، ما علم را می‌نویسیم تا از آن محافظت کنیم».

و از سعید بن جبیر روایت می‌کند که گفت: «من نزد ابن عباسب می‌نوشتم تا اینکه دفترم پر می‌شد سپس روی دمپایی‌ام می‌نوشتم و سپس در کف دستم».

و از صالح بن کیسان روایت می‌کند که او گفت: «من و ابن شهاب زهری با هم علم می‌آموختیم. به هم گفتیم که سنتها را می‌نویسیم. پس هر آن چه از رسول الله ج آمده بود را نوشتیم سپس او گفت: آن چه از صحابه به ما رسیده را نیز بنویسیم زیرا سنت است.

گفتم: سنت نیست و من نمی‌نویسم.

او نوشت و من ننوشتم، او برد و من باختم».

و از ابن شهاب زهری روایت می‌کند که می‌گفت: «اگر به خاطر احادیث ناپسند و ناشناخته‌ای که از مشرق می‌آمدند نبود، نه حدیثی را می‌نوشتم و نه اجازه به نوشتن می‌دادم».

و خطیب/ از معاویۀ بن قرة روایت می‌کند که گفت: «ما علم کسی را که نمی‌نوشت علم به حساب نمی‌آوردیم».

نوشتن احادیث در زمان تابعین گسترش فراوانی یافت، چنانچه نوشتن امر لاینفک مجالس و دروس علم شده بود.

در این عصر صحیفه‌های فراوانی نوشته شد که دکتر مصطفی الأعظمی تعداد بسیاری از آن‌ها را در کتابش «دراسات في الحدیث النبوي» آورده است.

مثال‌هایی از این صحیفه‌ها:

1. صحیفه یا صحیفه‌های سعید بن جبیر شاگر ابن عباسب.
2. صحیفه بشیر بن نهیک که به نقل از ابوهریرهس و دیگران نوشته شده.
3. صحیفه‌های مجاهد بن جبر شاگرد ابن عباسب.
4. صحیفه أبی الزبیر محمد بن مسلم بن تدرس المکی شاگرد جابربن عبداللهب.
5. صحیفه زید بن أبی أنیسه الرُّهاوی.
6. صحیفه أبی قلابۀ که هنگام وفات آنرا برای أیوب السختیانی وصیت کرد.
7. صحیفه أیوب بن أبی تمیمة السختیانی.
8. صحیفه هشام بن عروة بن الزبیر.

اما دوران عمر بن عبدالعزیز/ تابعی بزرگوار مشهور‌تر از آن است که نیاز به شرح و بیان داشته باشد.

امام بخاری در صحیحش از عبدالله بن دینار روایت می‌کند که عمر بن عبدالعزیز/ برای أبی بکر بن حزم نوشت: «هرآن چه از احادیث رسول الله ج که وجود دارد را بیاب و بنویس زیرا من از نابودی علم و رفتن علما می‌ترسم. و به جز حدیث رسول الله ج چیز دیگری را قبول نکن و باید علم آشکار شود و باید مجالسی برپا کنید تا هر کس نمی‌داند، علم پیدا کند، زیرا علم از بین نمی‌رود مگر زمانی که پنهانی شود».

از ابن شهاب زهری نیز روایت شده که عمربن عبدالعزیز به ما دستور داد تا احادیث را جمع آوری کنیم.

و آن را دفتر دفتر می‌نوشتیم سپس او به تمامی قلمرو حکومت خود دفتری را فرستاد.

بله این‌ها سندهایی تاریخی و محکم از سرنوشت احادیث رسول الله ج در قرون اولیه اسلام بود.

حقایقی که برای هر طالب حق هیچ جای شکی را باقی نمی‌گذارد که احادیث رسول الله ج با حفاظت کامل از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

البته من این مطالب را برای پاسخ به منکرین سنت جمع آوری نکردم. بلکه هدیه‌ای است برای مؤمنانی که با فهم این حقایق بر ایمانشان افزوده شده و اعتقادشان استوارتر می‌گردد.

﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾ [آل‌عمران: 31].

‏ بگو: «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشاید، و خداوند آمرزنده مهربان است».

برگرفته از:

1. کتاب تدوین السنة النبویة ونشأته وتطوره، تألیف: دکتر محمد بن مطر الزهرانی.
2. و کتاب: تقیید العلم، تألیف: ابوبکر أحمد بن علی بن ثابت الخطیب البغدادی.
1. - باب کتابة العلم از کتاب العلم از صحیح امام بخاری. [↑](#footnote-ref-1)
2. - مصدر قبلی. [↑](#footnote-ref-2)
3. - امام احمد بن حنبل در مسندش (2/163) و الدارمی در سننش باب من رخص فی کتابة العلم(1/103) [↑](#footnote-ref-3)
4. - صحیح امام مسلم کتاب الإمارة (10). [↑](#footnote-ref-4)
5. - مسند امام احمد (4/370-374) و تهذیب التهذیب ابن حجر (3/394). [↑](#footnote-ref-5)
6. - سنن دارقطنی (4/93-94). [↑](#footnote-ref-6)
7. - تهذیب التهذیب (4/236-237) ، سنن أبی‌داود (1/314—315 ح:456). [↑](#footnote-ref-7)
8. - کتاب جهاد از صحیح امام بخاری و هچنین صحیح امام مسلم (ح:20). [↑](#footnote-ref-8)